



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) دروس خارج اصول در مباحث حجج ✦
تقریر مباحث حجج (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-حجج/2019-04-13-20-51) ✦ امر دوم: ظن نه منجز نه مسقط تکلیف

امر دوم: ظن نه منجز نه مسقط تکلیف

بسم الله الرحمن الرحيم [1]

بحث در مباحث امارات بود گفتیم چند امر را برای ورود به بحث اصلی اشاره میکنیم. امر اول تمام شد.

امر دوم: ظن فی نفسه نه منجز تکلیف در مرحله ثبوت و نه مسقط تکلیف است

چنانکه مرحوم آخوند میفرماید حجیت از لوازم قطع است، بعضی می‌گفتند در قطع تفصیلی حجیت و منجزیت و معذریت به نحو علت تامه است، تا قطع تفصیلی آمد علت تامه تنجز حکم ثابت است و قابل ردع نیست. در قطع اجمالی بعضی می‌گفتند تنجز به نحو مقتضی است یعنی اگر مانعی نبود از تنجز علم اجمالی خود بخود می‌شود منجز به حکم عقل و مثبت حکم، اما ظن به حکم شرعی و احتمال راجح نه تنجز تکلیف از لوازم آن است به نحو علیت تامه که تا شما احتمال تکلیف دادید احتمال شصت درصد، تکلیف بر مشا ثابت شود، و نه به نحو مقتضی هست که اگر احتمال تکلیف دادی و مانعی هم نبود بگوئی حتما تکلیف بر من ثابت است. ظن نه علت تامه است برای تنجز تکلیف نه اقتضاء تنجز تکلیف دارد زیرا در کنار ظن همیشه احتمال خلاف وجود دارد که چهل در صد احتمال می‌دهد تکلیف این نباشد، مجرد رجحان و اینکه احتمال این طرف بیشتر است اقتضاء ندارد حجیت آن را پس بنابراین به نفسه ظن به تکلیف نه علت تامه است برای ثبوت تکلیف نه مقتضی ثبوت تکلیف است. بله ظن این قابلیت را دارد که جاعلی حجیت به آن بدهد که بعد تحلیل می‌کنیم احتمال خلاف را إلغاء کند بگوید این مثبت حکم است. این احتمال هست که چه شارع معطی حجیت به ظن باشد و چه در بعض صور عقل باشد.

بله بر مسلک حق الطاعة که مرحوم محقق داماد صاحب منتقی و شهید صدر قائل اند آنان مولویت مولا را به شکلی تفسیر می‌کنند که حتی احتمال ضعیف تکلیف هم از ناحیه مولای حقیقی منجز حکم و سبب احتیاط می‌شود، لکن آنانی هم که مسلک حق الطاعة را قبول دارند می‌گویند عقلا احتمال هم می‌تواند منجز حکم باشد، می‌گویند تنجز حکم به نظر عقل به توسط احتمال معلق است بر عدم ترخیص شرعی، لذا أدله برائت شرعیه مانع منجزیت احتمال تکلیف می‌شود، و منجزیت احتمال تکلیف را برمی‌دارد، بنابراین چه به مسلک حق الطاعة و چه به مسلک قاعده قبح عقاب بلایان، ظن به حکم شرعی منجز حکم نیست فی نفسه و حکم را ثابت نمی‌کند که حتما باید دنبال این ظن به حکم برویم و به آن عمل نماییم.

در مرحله سقوط تکلیف هم ظن حجیت ندارد مانند مرحله ثبوت تکلیف، یعنی کسی که یقین به وجوب نماز ظهر دارد، ساعت سه عصر شصت درصد احتمال می‌دهد نمازش را خوانده، ظن به امتثال موجب سقوط حکم نمی‌شود بلکه باید یقین به امتثال داشته باشد تا مطمئن شود تکلیف از او ساقط شده چون اشتغال یقینی فراغ یقینی می‌خواهد.

نتیجه امر دوم: ظن و احتمال راجح فی نفسه و به خودی خود نه منجز تکلیف است در مرحله ثبوت و نه مسقط تکلیف است.

مرحوم آخوند می‌فرماید مشهور علماء در مرحله سقوط تکلیف ظن و احتمال راجح را کافی نمی‌دانند بلکه بعض المحققین فرموده‌اند در مرحله سقوط تکلیف ظن به امتثال کافی است. مقصودشان از این بعض المحققین مرحوم آقا حسین خوانساری صاحب مشارق الشومس فی شرح الدروس ایشان در مباحث مختلف از جمله در مبحث وضو چند بار تکرار میکنند که وظیفه انسان امتثال و سقوط تکلیف است إما ظنا بالسقوط و إما جزما، مرحوم آخوند می‌فرماید شاید مبنای این محقق این است که دفع ضرر محتمل واجب نیست لذا همینقدر ظن به

امتنال داشت، شصت درصد میگوید نماز ظهر را خوانده ام همنی کافی است هر چند چهل درصد احتمال خلاف می‌دهد یعنی چهل درصد احتمالا عقاب میرود اما ایشان مثلا می‌گویند دفع عقاب محتمل واجب نیست. بعد گفته می‌شود مراد از این ضرر اگر ضرر دنیوی است که سقوط و ثبوت تکلیف دائر مدار ضرر دنیوی که نیست و اگر مقصود از ضرر عقوبت است هر جا احتمال عقاب می‌دهی اگر مؤمن نباشد دفع عقاب محتمل واجب است چگونه مرحوم خوانساری معتقدند دفع عقاب محتمل واجب نیست. لذا در شبهات حکمی اگر اصولیان می‌گویند فحص واجب است به جهت دفع عقاب محتمل است.

عرض می‌کنیم: اینگونه نسبت به محقق خوانساری با این دلیلی که مرحوم آخوند آوردند ظلم به مقام تحقیق محقق خوانساری است که بگویند احتمال سقوط تکلیف کافی است چون دفع عقاب محتمل واجب نیست این از اقل طلبه بعید است، اگر ایشان دفع عقاب محتمل را واجب ندانند و ظن به امتثال را کافی بدانند در جاهایی که علم اجمالی دارد یک طرف راجح است باید فتوا دهد طرف راجح کافی است، شصت درصد احتمال وجوب جمعه می‌دهد ایشان باید فتوا دهند در این صورت نماز جمعه واجب است و احتیاط واجب نیست. در حالی که ایشان در فقه موارد مختلفی در دوران امر بین مشتبهین می‌فرمایند باید احتیاط کرد. مثلا مشتبه شده دو مایع یکی مطلق است و دیگری مضاف می‌خواهد وضو بگیرد مرحوم خوانساری می‌فرمایند احتیاط واجب است نمی‌گویند ظن راجح را بگیرد به آن عمل کند چون دفع عقاب محتمل واجب نیست. دقت در کلمات مرحوم محقق خوانساری انسان را به این نتیجه می‌رساند که مراد ایشان از ظن به سقوط که حجت است ظن متأخم به علم یا اطمینان است که قبلا هم گفته ایم باز هم خواهد آمد که اطمینان در مقابل جزم، علم عرفی و حجت است. مقصود محقق خوانساری از اینکه می‌فرماید در سقوط تکلیف إما ظنا بالسقوط و إما جزما مطلق الظن نیست بلکه مقصود اطمینان است در مقابل جزم که قطع و صد در صد است. شاهد بر این مدعا آن است که در یک مورد محقق خوانساری در ج 1، ص 341 می‌فرمایند تحصیل جزم به شرایط واجب صد در صد قطع داشته باشد که شرایط واجب را تحصیل کرده متعذر یا متعسر است بحیث یؤدی الی الحرج المنفی فی الدین. جای دیگر می‌گویند فیجب تحصیل یقین أو الظن القریب بتحقیق الامتنال.

پس این نسبت به محقق خوانساری که در سقوط تکلیف در کنار قطع مطلق الظن را ایشان معتبر می‌داند اصل نسبت به ایشان صحیح نیست.

